



استعلامات قضایی

پرسش ۱۱- در آخر ماده ۱۷ آیین نامه رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان جمله‌ای وجود دارد به این ترتیب «این هیأتها در صورت تقاضای کارمند مدارک لازم را در اختیار وی قرار می‌دهند» لطفاً بفرمایید منظور از مدارک لازم آیا همان مدارک موارد اتهام می‌باشد یا قانونگذار منظور دیگری داشته است.

کج- از ماده ۱۷ و مواد قلبی (آیین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری) چنین استنباط می‌شود که منظور مقنن از جمله «مدارک لازم» همان موارد اتهام، می‌باشد همچنانکه در قسمت صد ماده فوق‌الذکر نیز قید شده است... موارد اتهام را به طور کتبی به کارمند ابلاغ و پس از آن ...

پرسش ۱۲- مطابق ماده ۱۲۸۶ قانون مدنی سند به دو نوع رسمی و عادی تقسیم می‌شود و سند رسمی سندی است که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات قانونی تنظیم سند

باشد (ماده ۱۲۸۷) و در غیر از اسناد مذکور، سایر اسناد عادی است (ماده ۱۲۸۹).

الف - منظور از اسناد دولتی چیست آیا همان سند رسمی است یا عادی و چرا قانونگذاری به سند دولتی اشاره نکرده است؟
ب - اوراق دفترچه خدمات درمانی جزء اسناد عادی است یا رسمی؟

کج- مطابق ماده ۱۲۸۷ ق مدنی ... اسنادی که در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است علی‌هذا چنین به نظر می‌رسد اسناد دولتی که توسط مأمورین رسمی دولت و بر طبق مقررات قانونی تنظیمی می‌شود جزء اسناد رسمی است و در غیر این صورت سند عادی محسوب می‌گردد.

پرسش ۱۳- با توجه به اینکه دسترسی خواهان به اقامتگاه اشخاص حقوقی مجهول‌المکان از طریق تبصره فوق امکانپذیر است، کار برد ماده ۱۰۰ این قانون در مواقعی که اقامتگاه اشخاص حقوقی مجهول‌المکان است چه می‌باشد؟

جواب و استدلال درس مربوط :
محتمل است که در مواقعی محل اداره ثبت یاد شده در تبصره ۱ ماده ۱۰۲ نیز بر شخص خواهان معلوم نباشد و اطلاع نداشته باشد که در کدام اداره ثبت آخرین محل اقامت مشخص حقوقی ثبت شده پس سرانجام از ماده ۱۰۰ ق.آ.د.م استفاده می‌کند.

کج- چنانچه مأمور ابلاغ نتواند دادخواست و ضامنه آن را به مدیر یا قائم مقام و یا دارنده حق امضاء و یا مسئول دفتر مؤسسه ابلاغ کند و دسترسی مدعی به اقامتگاه اشخاص حقوقی مجهول‌المکان از طریق اجرای تبصره ۱ ماده ۱۰۲ ق.آ.د.م نیز امکان پذیر نباشد (از جمله اینکه اداره ثبت محل وقوع شرکت مشخص و معلوم نباشد) به نظر می‌رسد که در این فرض می‌توان مطابق ماده ۱۰۰ ق. فوق‌الذکر اقدام و عمل نمود.

پرسش ۱۴- یکی از شاغلین در نیروی انتظامی قریب به ۳ سال است به علت ابتلاء به مرضی در سال ۷۳ معالجات او تحت نظر یگان خدمتی وی شروع و بعد از مدت‌ها

معالجات در تهران و شرکت در کمیسیونهای مختلف پزشکی و عدم بهبودی تقاضای یکسال مرخصی بدون حقوق جهت مداوا را نمود و پس از یکسال به علت عدم بهبودی ۴ ماه غیبت نموده و سپس خود را شخصاً به مرجع قضایی معرفی و نهایتاً از طریق یگان خدمتی به علت عدم کارآیی و بیماری در اختیار بهداری و سپس کمیسیون عالی پزشکی وی را طبق ماده ۱۰۴ بند ج قانون نیروی انتظامی بازنشسته می نماید.

با توجه به سوابق بیماری وی و انجام معالجات در طول غیبت و آخرین تصمیم شورای عالی پزشکی فوق الذکر تکلیف پرونده مفتوحه چه خواهد شد؟

کجک - نظر به اینکه متهم پس از پایان مرخصی می بایست خود را به یگان مربوطه معرفی می نموده و از این امر امتناع ورزیده و با چهار ماه تأخیر در محل خدمت حضور یافته و لذا در مانحن فیه بزه فرار از خدمت تحقق یافته است لکن با توجه به اوضاع و احوال قضیه و سابقه بیماری مشارالیه که نهایتاً منجر به بازنشستگی وی شده و اینکه در دوران فرار نیز مبتلا به همان بیماری بوده است به نظر می رسد که می توان با انطباق موضوع با ماده ۵۵ ق.م.ج.ن.م در خصوص قضیه اظهار نظر نمود.

پرسش - با توجه به اینکه قانون مجازات نیروهای مسلح قانون خاصی می باشد و برای متهمین دارای سوابق کیفری تشدید مجازات پیش بینی نشده است آیا می توان از ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی استفاده نمود یا خیر؟

کجک - مقررات عمومی مربوط به تخفیف و تشدید و تعلیق مجازات مذکور در قانون مجازات اسلامی در محاکم اختصاصی نیز حاکمیت دارد.

پرسش: برای متهمین مشمول مواد ۴۳ تا ۴۷ که منطبق با ماده ۴۸ می باشند الزاماً به استناد ماده ۳ قانون مجازات نیروهای مسلح باید تعیین مجازات نموده با توجه به اینکه در این ماده مجازات حبسی در نظر گرفته نشده

است آیا می توان از ماده ۲۲ مجازات اسلامی استفاده کرد؟

کجک - ماده ۴۸ صرفاً ناظر به استحقاق برخورداری متهم از کیفیات مخففه در موارد مذکور می باشد و هیچ الزامی به اعمال تخفیف (صرفاً) در حدود ماده ۳ ق.م.ج.ن.م موجود ندارد، بلکه هر یک از مواد ۳ و ۲۲ در مدلول و حوزه مشمول خود قابل اعمال می باشد.

پرسش - آیا دادگاه مکلف است نسبت به متهمین دارای سوابق کیفری مشمول مواد ۴۳ تا ۴۷ که خود را معرفی نموده اند ماده ۴۸ قانون مجازات نیروهای مسلح را رعایت نماید یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن جواب بین ماده ۴۸ این قانون و ۴۸ قانون مجازات اسلامی تعارض به وجود می آید بفرمایید در مانحن فیه کدام قانون مقدم و لازم الزامی می باشد؟

کجک - از تکاب عمل مجرمانه ممکن است دارای اوصاف مخففه جرم و مشدده آن باشد، و به عبارت دیگر علل مشدده و مخففه مجازاتها مانعة الجمع نیستند، (تبصره ۲ ذیل ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی نیز مؤید این نظر می باشد).

پرسش - شناسنامه من بیش از سه سال با سن واقعی من اختلاف دارد و من را که فرزند سوم خانواده ام از نظر سن شناسنامه ای حتی یکماه بزرگتر از فرزند اول خانواده می باشد من برای حل این مشکل به اداره ثبت احوال چندین بار مراجعه کردم و هر بار جوابی می دادند تا اینکه آخرین بار گفتند که باید به دادگاه برای آن دادخواست بدهی تا مشکلاتان حل شود. حال می خواستم بدانم که دادخواست آن را چگونه باید بنویسم و از طریق کدام یک از دستگاههای قضایی این مشکل خود را مطرح نمایم تا حل شود. اگر این موضوع تا به حال و احتمالاً در آینده مشکلی برایم در راه تحصیلی و زندگی بوجود نمی آورد چندان مهم نبود ولی تاکنون چندین بار برایم در تحصیل و زندگی مشکل بوجود آورده است لطفاً راهنمایی فرمایید؟

درخت خرمای

بسم الله الرحمن الرحیم، یک اصله درخت خرما در باغ یکی از اصحاب داشت. خانه مسکون مرد آسمانی کنه زن و بچه اش در آن جابه سر می بردند، همان دم در باغ بود. سمره کلهی من آمد و از خانه خود خبر می گرفت، با از آن خرما می خرد، واقعه طریق قانون اسلام، «حق» داشت که در آن خانه رفت و آمد نماید. و به درخت خود رسیدگی کند. سمره هر وقت که می خواست برود از درخت خود خبر بگیرد می افتاد و سرزده داخل خانه می شد و غنماً و هم چرایی می کرد. صاحبخانه از او خواهش کرد که هر وقت می خواهید داخل شوید، سرزده وارد نشود. او قبول نکرد، ناچار صاحبخانه به رسول اکرم شکایت کرد و گفت: «این مرد سرزده داخل خانه من می شود، شما به او بگویید بدون اطلاع و سرزده وارد نشود تا خانواده من قبل مطلع باشند و خود را از چشم چرایی او حفظ کنند.»

رسول اکرم، سمره را خواست و به او فرمود: «فانی از تو شکایت دارد، می گوید تو بدون اطلاع وارد خانه من می شوی، و بعد از این اجازه بگیر، و بدون اطلاع و اجازه داخل نشود. سمره تمکین نکرد، فرمود: پس درخت بگیر و سمره را بیاورد. رسول اکرم قیمت را بالا برد باز هم حاضر نشد. باز برد باز هم حاضر نشد. فرمود: تا اگر کار نکنی، در بهشت برای تو درختی خواهد بود. باز هم تسلیم نشد. باها زبانه یک کفش کرده بود که به از درخت خود صرف نظر می کنم و نه حاضر منگم ورود به باغ از صاحب باغ اجازه بگیرم.

در این وقت رسول اکرم فرمود: «تو مردی زین رسان و سنگتوری، و در دین اسلام زین رساندن و سنگ گرفتن وجود ندارد» بعد رو کرد به مرد آسمانی و فرمود: «پرو درخت خرما را از زمین درآور و بپندار چلو سمره رفتند و این کار را کردند. آن گناه رسول اکرم به سمره فرمود: «خدا برو درخت را هر گناهی که دلت می خواهد بکن.»

کسر - به موجب تبصره ماده واحد ق حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها (مصوب ۱۳۶۷) صاحب شناسنامه تنها یکبار در طول عمر و در صورتی که اختلاف سن واقعی با سن مستدرج در اسناد سجلی به تشخیص کمیسیون (مرکب از فرماندار یا بخشدار، رئیس اداره ثبت احوال محل و پزشک منتخب مدیر عامل سازمان بهداری استان، رئیس شورای اسلامی شهر یا بخش، محل صدور شناسنامه و یا عضویت ریاست قاضی دادگاه صالحه محل تشکیل می گردد) بیش از پنج سال باشد می تواند سن خود را اصلاح نماید.

پرسش - آیا قضات تحقیق حق گرفتن قسم از متهم را دارند و یا فقط قاضی صادر کننده حکم حق گرفتن قسم در صورت نبودن دلایل از متهم را دارد؟

کسر - به موجب ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب سال ۷۳):

دادگاههای عمومی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل می شود و تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم قضیه به وسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت همچنین اظهار نظر قضایی و انشا رأی به اوست، و برابر ماده ۱۵ قانون فوق الذکر:

قضات تحقیق تحت نظارت قضات دادگاههای حوزه قضایی عهده دار انجام کلیه اموری هستند که در جریان تعقیب و رسیدگی و اجرا به آنان ارجاع می شود. و طبق ماده ۲۳۹ ق.م.ا. (مبحث قسامه):

هرگاه بر اثر قرائن و اماراتی و یا از هر طریق دیگری از قبیل شهادت یک شاهد یا حضور شخصی همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتول در محل تردد یا اقامت اشخاص معین و یا شهادت طفل ممیز مورد اعتماد و یا امثال آن حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند مورد از موارد لوث محسوب می شود.

همچنین در ماده ۲۴۴ ق. اخیر الذکر قید شده است:

(... قاضی از مدعی می خواهد که اقامه بیینه نماید در صورتی که مدعی اقامه بیینه نکند مدعی اقامه بیینه نکند مدعی علیه پس از ادای سوگند تبرئه می شود... نظریه:

علیهذا با توجه به مواد ۲۳۹ و ۲۴۴ ق.م.ا. و مواد دیگر (مبحث قسامه در ق.م.ا.) چنین به نظر می رسد که متهم در صورت وجود شرایط لازم در نزد حاکم (قاضی محکمه) ادای سوگند می نماید و چون برابر مواد ۱۴ و ۱۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، دادگاه با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل می شود و قاضی تحقیق وظیفه تحقیقات و بررسی های معمول در جریان تعقیب و رسیدگی را عهده دار می باشد و یا به عبارت دیگر قاضی در فقه اسلامی کسی است که حکم با دست اوست (مَنْ یَبْدُوهُ الْحُكْمَ) و قاضی تحقیق حکم صادر نمی کند و فصل خصومت نمی کند، بنابراین قاضی صادر کننده حکم تحت وجود شرایط قانونی لازم حق گرفتن قسم از متهم را دارد.

پرسش - چرا دادگستری لوابیح آئین دادرسی ماده ۳۱ که حق محکوم علیه است بدون ذکر هیچگونه توضیح بایگانی می کند؟

کسر - حسب صراحت ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اعمال مقررات ماده مزبور در صورتی ممکن است که: ظرف یکماه پس از ابلاغ حکم قطعی درخواست شده باشد.

پرسش - در حقوق جزای عمومی در مورد جرائم مستوجب حد گفتیم هرگاه محکوم دیوانه یا مرتد گردد حد از او ساقط نمی شود و حد الهی تعطیل پذیر نیست. مثل زانی و شارب خمر.

در اینجا سنوال وجود دارد که آیا در همان حالت جنون محکوم، حد درباره او اجرا می گردد؟ اگر چنین است پس هدف تنبیهی و

ترزیلی و ارعالی مجازات در مورد مجرم محقق نمی شود زیرا محکوم مجنون فاقد تشخیص است و اگر اجرای حد موکول به بهبودی محکوم گردد درست است و شاید محکوم به حد اصلاً بهبود پیدا نکند پس با توجه به ماده ۱۸۰ و ۹۵ ق.م نتیجه حد الهی چه می شود؟

کسر برابر مسأله ۱۰ جلد چهارم تشریح الوسیله حضرت امام (ره) صفحه ۱۹۱:

« حد با عارض شدن دیوانگی یا ارتداد ساقط نمی شود. پس اگر برخوردش حدی واجب کرد در حالی که صحیح است و مرض از رفتن عقل در او نباشد سپس دیوانه شود حد بر او اقامه می شود (رجم باشد یا جلد) و اگر دیوانه ادواری در وقت افاقه و صحتش مرتکب چیزی شود که موجب حد شود بر او افاقه می شود ولو در حال دیوانگی او باشد و انتظار افاقه او نمی شود و بین اینکه در حال دیوانگی درد را احساس بکند یا نه فرق نمی کند»

علیهذا تأکید مسأله فوق در خصوص اجرای حد در هر صورت، حاکی از اهمیت اجرای حدود الهی است که یکی از اهداف آن تنبیه مجرم و عبرت سایرین می باشد.

پرسش - آیا ماده ۲۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری به قوت خود باقی است؟ یا با تصویب قوانین مؤخر نسخ گردیده است؟ در صورتی که دارای اعتبار و قابل اجرا است، حدود شمول آن با عنایت با تشکیلات فعلی دادگستری و صلاحیتهای آن چگونه خواهد بود؟

کسر نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

جواب: ماده ۲۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، از قواعد خاصه دادگاههای بخش بوده و با حذف دادگاههای مذکور، ماده قانونی مزبور موضوعاً منتفی و غیر قابل اجرا است و همان طور که در رأی وحدت رویه شماره ۵۲۵ - ۶۸/۱/۲۹ هیأت عموم دیوان عالی کشور هم تصریح شده است،

ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، اصدار قرار موقوفی تعقیب کیفری را با شرایط خاصی تجویز کرده است. بنابراین عدم حضور شاکی، پس از طرح شکایت، گذشت تلقی نمی شود.

پرسش - در مورد ارتکاب جرم سرقت و نظایر آن که دلایل متقن و محکمی که ادعای شاکی را اثبات نماید وجود ندارد، لکن اوضاع و احوال و قراین و دفاعیات متهم که به نحو متناقض بیان گردیده حاکی از صدق ادعای شاکی است و در صورت صدور حکم برائت متهم به لحاظ عدم کفایت دلیل، بیم تضییع حق شاکی و تجربی متهم می باشد آیا در این صورت دادگاه به حسب دادخواست شاکی جهت استرداد مال مسروقه درخواست اعمال قاعده مدعی و منکر (سوگند متهم جهت صدور حکم برائت و یا رد قسم به مدعی جهت اثبات ادعایش) را بنماید؟ در صورت مثبت و رد قسم با شاکی و حکم به استرداد مال مسروقه، آیا دادگاه می تواند وی را به مجازات تعزیری نیز محکوم نماید یا خیر؟

ک - چنانچه صحت شکایت بی شائبه شاکی با توجه به اوضاع و احوال و قرائن و امارات و آن گونه که در استعلام آمده است، بر قاضی دادگاه محرز شود می تواند ضمن اصدار حکم محکومیت کیفری، حکم به رد اموال مسروقه نیز صادر کند.

پرسش - آثار سوء سابقه کیفری، اعم از مواد مخدر یا قاچاق سلاح و گروهبکهای ضدانقلاب تا چه مدت پس از پایان محکومیت به قوت خود باقی است؟ و محدودیتها و محرومیتهای اجتماعی که به تبع جرم ارتكابی حاصل می شود بعد از چه مدتی پس از سپری نمودن مجازات منقضی می گردد.

ک - چنانچه در حکم دادگاه به لحاظ رهیات مقررات مادتهای ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی محرومیت از حقوق اجتماعی برای مدتی منظور شده باشد در این مورد با سپری شدن مدت مدوئه و در

سایر محکومیتها یا ختم موضوع محکومیت آثار تبعی جرم زائل شده و صدور گواهی عدم سوء پیشینه بلاشکال است.

پرسش - صدور حکم قلع و قمع مستحذات در املاک مشاعی و جاهت قانونی دارد یا خیر؟

ک - صرف مشاع بودن ملک مانع صدور حکم قلع و قمع مستحذاتی که فاصیانه در آن ایجاد شده است نخواهد بود.

پرسش - در صورتی که اماکن مسکونی در قالب عقد اجاره با مدت معین به مستأجر واگذار شده باشد و بامضی مدت اجاره علیرغم اعلام موجر به وسیله اظهارنامه رسمی و یا غیره مبنی بر تخلیه عین مستأجره مع الوصف مستأجر مورد اجاره را تخلیه ننماید آیا می توان؟

۱ - به صورت تنظیم شکایت کیفری مستنداً به ماده ۱۰ قانون رفع تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲ از طریق مراجع قضایی اقدام نمود با فرض بر این که بیش از یک ماه از پایان مدت اجاره سپری نشده باشد در صورت پاسخ مثبت نحوه اقدام محاکم در خصوص تخلیه به چه کیفیت خواهد بود. یا این که لزوماً باید به صورت تقدیم دادخواست حقوقی به خواسته تخلیه اقدام شود.

ک - قطع رابطه استیجاری بعد از مدت اجاره با شرط ادامه تصرف مستأجر مستلزم تقدیم دادخواست حقوقی تخلیه و صدور رأی دادگاه است.

۲ - در صورت پاسخ منفی و یا بر فرض این که پیش از یک ماه از زمان سپری شدن مدت اجاره گذشته باشد و موجر به ادامه ید استیجاری مستأجر رضایت نداشته باشد با عنایت به اصلاح ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات منحت خیانت در امانت) و وضع ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی و دیگر واژه هائی منجمله اموال غیر منقول و اجاره در ماده مذکور آیا می توان با تنظیم شکوائیه کیفری به اتهام خیانت در امانت علیه

مستأجر از طریق محاکم اقدام کرد. در صورت پاسخ مثبت کیفیت تخلیه در محاکم به چه نحو خواهد بود و در صورت عدم پرداخت اجرةالمثل آیا باید دادخواست ضرر و زیان تنظیم و تا جلسه اول دادرسی تقدیم دادگاه کرد و یا این که مثل مورد ۱ لزوماً باید از طریق دادخواست حقوقی به خواسته تخلیه اقدام نمود.

۳ - در صورت پاسخ منفی به سئوالات مطرحه موضوع مذکور آیا تخلیه اماکن مسکونی استیجاری از مواد قانونی مارالذکر منصرف است و اگر چنین است پس مراد قبانوگذار از ذکر واژه اموال غیر منقول و اجاره چیست با عنایت به این که ید مستأجر در عین مستأجره، ید امانی است؟

ک - در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی استعمال مال امانی به ضرر مالک یا تصاحب یا اتلاف یا مفقود کردن آن منوط به احراز سوءنیت است و در مورد ملک مسکونی استیجاری به صرف عدم تخلیه احراز این عنصر بعید است لذا استفاده مازاد بر مدت عقد اجاره از مصادیق این ماده نمی تواند بود.

اطلاعیه

بسمه تعالی

قابل توجه مستقاضیان چاپ آگهی

بسیار توجه به درخواست و تقاضاهای مکرر در خصوص چاپ آگهی، مجله دادرسی در نظر دارد از شماره آینده به درخواست شما عزیزان پاسخ مثبت داده و آگهی های شما را چاپ نماید لهذا در صورت تسامیل و کسب اطلاعات بیشتر می توانید با تلفنهای ۸-۵۲۷۰۵۲۹ تماس حاصل نمائید.

روابط عمومی دفتر مجله